



دور دوم جنگ؛ خط انفجار

مجموعه پیام‌های تبیینی
پیرامون رخدادهای زمستان ۱۴۰۴





 payamenehzat.ir

 @ paiaamenehzat

فهرست

۴	پیام اول	در صورت تعرض به رهبر انقلاب هیچ دستی از پیامدهای آن مصون نخواهد ماند.
۵	پیام دوم	ایمان نیروهای مخلص به انقلاب، وام‌دار شخصیت متأله و عمل متعالی آیت الله خامنه‌ای است.
۶	پیام سوم	درماندگی در ترور شخصیت رهبر انقلاب موجب شده تا به تهدیدات سخت پناه بیاورند.
۷	پیام چهارم	چون رهبری مجرای اراده ملی است، تهدیدات متوجه ایشان شده است.
۸	پیام پنجم	تمرکز بر هتک حرمت رهبری، با هدف ارجاع مزورانه کشته‌سازی‌ها به ایشان است.
۹	پیام ششم	اصلی‌ترین عامل برهم‌زدن طرح‌های آمریکا در منطقه، آیت‌الله خامنه‌ای بوده است.
۱۰	پیام هفتم	نوع حیات و افق درک یک جامعه دینی از رهبران الهی آن جامعه نشأت می‌گیرد.
۱۱	پیام هشتم	بیعت نانوشته مردم با رهبری، مهم‌ترین مانع بر تحقق طرح‌های استعماری در ایران بوده است.
۱۲	پیام نهم	حمایت رهبری از ساختارهای حاکمیتی، امکان اتخاذ تصمیم واحد از سوی نظام را فراهم کرد.
۱۳	پیام دهم	گفتگوی مستقیم رهبری با مردم و خلق روایت اول از حوادث، مدیریت افکار عمومی را رقم زد.
۱۴	پیام یازدهم	پاسخ صریح و فوری رهبری به تهدیدهای ترامپ، برای کشور امنیت‌آفرین بوده است.
۱۵	پیام دوازدهم	تثبیت نظام، ثمره رهبری آیت الله خامنه‌ای بوده است.
۱۶	پیام سیزدهم	تلاش تبیینی رهبری، معنادار کردن تمامی رخدادها در طرح کلان استعمار بوده است.
۱۷	پیام چهاردهم	ساخت سیاسی جمهوری اسلامی وابسته به فرد نیست.

در صورت تعرض به رهبر انقلاب تا سال‌ها هیچ دستی از پیامدهای منطقه‌ای و جهانی آن مصون نخواهد ماند.

تعرض به رهبر انقلاب، خط قرمزی است که عبور از آن، تمام معادلات منطقه را به هم می‌زند. این اقدام به عنوان یک تهدید وجودی برای ملت ایران تلقی می‌شود که پاسخی استثنایی و درخوری را در پی خواهد داشت. فارغ از مسئله ایران، تعرض به چنین جایگاهی، حمله به تمامیت ایدئولوژیک ایرانیان و بسیاری از ملت‌های منطقه است که اولین واکنش آن، تشدید فوری درگیری‌ها در جبهه‌های مختلف خواهد بود. این اقدام به معنی وارد شدن آمریکا به یک باتلاق جنگ گسترده است که پیامد آن، نابودی دارایی‌های استراتژیک نظامی و غیرنظامی آمریکا و در نتیجه فروپاشی پروژه‌های بلندمدت آنها در منطقه خواهد بود. جایگاه مرجعیت آیت‌الله خامنه‌ای و حمایت



تمام قد مراجع و علمای شیعه و سنی از ایشان، قدرت اسلام را بیش‌ازپیش به دشمنان نشان داده است. میلیون‌ها انسان آزاده که گرد رهبری ولی‌فقیه جمع شده‌اند، شکست‌ناپذیر و مصمم در خون‌خواهی و انتقام از عاملان و آمران این جنایت خواهند بود. همچنین تجربه زندگی نحس سلمان رشدی ثابت کرده که مسلمانان آنها را رها نخواهند کرد.

از آنجایی که آمریکا نمی‌تواند دامنه و شدت پاسخ ایران را به طور دقیق محاسبه کند، برزخی از اقدامات را در برابر خود می‌بیند که این خود یک عامل بازدارنده است. افزون بر این، هرگونه درگیری جدی، حامل ریسک‌های بزرگ برای اقتصاد جهانی و مسیرهای انرژی خواهد بود. ترس کشورهای همسایه از ایجاد تنش فوق‌العاده در منطقه نیز، آنها را بر این داشته تا لابی‌های قدرتمند خود را در واشنگتن به کار گیرند. تجربه ثابت کرده ایران هرگز تحت فشار یا باج‌گیری از مواضع اصولی خود کوتاه نخواهد آمد؛ بنابراین قمار آمریکا برای ورود به چنین سطحی از تنش با ایران، نتیجه‌ای از قبل مشخص را در پی دارد و پیامدهای آن تا سال‌ها گریبان آمریکا در منطقه را خواهد گرفت.

ایمان نیروهای مخاص به انقلاب، وام‌دار شخصیت متأله و عمل متعالی آیت‌الله خامنه‌ای است.



به اذعان بسیاری از تحلیل‌گران، اصلی‌ترین عامل ناکامی طرح‌های خیابانی دشمن در ایران، وجود سدی انسانی از نیروهای شدیدافزار و وفادار به انقلاب اسلامی است. این جریان انسانی که در هویت بسیج، نیروی انتظامی و امنیتی

نقش آفرینی دارند با شجاعت تمام و با وجود کاستی‌های سخت افزاری همه دارایی‌های خود را برای حراست از نظام اسلامی به میدان می‌آورند. علت اصلی موفقیت امریکا در به سرانجام رساندن طرح‌های امنیتی و کودتاهای سیاسی در سایر کشورها به دلیل فقدان چنین نیروهایی برای حفاظت از ساختار سیاسی مورد تعرض است.

به لحاظ روانشناختی اعتقاد به تقدس و ارزشمندی جمهوری اسلامی است که موجب می‌شود این عناصر جسم و جان خود را برای دفاع از یک حاکمیت به میدان بیاورند. طبیعتاً صرف سخن گفتن از آرمان‌ها نمی‌تواند تا این حد برای انسان برانگیزاننده باشد، در طول ادوار مختلف صحبت از ارزش‌های الهی و دعوت به حراست از آن‌ها همواره وجود داشته است اما ویژگی منحصر بفردی که در دوره کنونی در جغرافیای ایران بروز یافته آن است که این ارزش‌ها و آرمان‌ها به صورت تمام و کمال در شخصیت و سلوک رهبرانی تجلّی یافته که خیل گسترده‌ای از ایرانیان حاضر شده‌اند برای محافظت از نظامی که چنین انسان‌هایی در رأس آن قرار گرفته‌اند، عزیزترین داشته‌های خود را فدا نمایند.

آیت‌الله خامنه‌ای با شخصیت متأله و عمل متعالی خود توانسته‌اند عاملی باشند تا طیف گسترده‌ای از مردان و زنان در داخل و خارج ایران، خود را وقف آرمان‌های انقلاب اسلامی نمایند و در بزنگاه‌هایی چون غائله اخیر هیچ تردیدی برای حضور در میدان و مقابله با سناریوهای دشمن به خود راه ندهند. به همین جهت هر عنصر سیاسی در جهان امروز، در تعیین مناسبات و ادبیات خود با چنین جایگاهی می‌باید متوجّه چنین منزلتی بوده و بداند که هرگونه اهانت یا تعرضی به این شخصیت پیامدهای غیرقابل پیش‌بینی و خارج از انتظاری را برای طولانی مدت به همراه خواهد داشت.

درماندگی سی ساله در ترور شخصیت رهبر انقلاب موجب شده تا به تهدیدات سخت پناذ بیاورند.

کسانی که شبکه‌های رادیویی و تلویزیونی ضدایرانی خارج‌نشین را از سال‌های پیش رصد می‌کنند، مبتنی بر روش‌های تحقیق علمی به راحتی نشان می‌دهند که یکی از مهم‌ترین اهداف آنها، تخریب شخصیت رهبر معظم انقلاب، با هر بهانه مرتبط و غیرمرتبط بوده است. روند این ترور در کنار سایر طرح‌ها و برنامه‌های خود برای از بین بردن نظام اسلامی و تمامیت ارضی کشور، در سال‌های اخیر به اصلی‌ترین وجهه همت آنها تبدیل شده است تا با واردآوردن حداکثر بمباران‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای، شخصیت ایشان را ترور کرده و در افکار و قلوب مردم ایران از بین ببرند.

ترور شخصیت ایشان به علت جایگاه قانونی، دینی و مردمی در ساختار نظام اسلامی است که به رهبر با ویژگی‌های خاص، مرجعیت، مقبولیت و اثرگذاری خاص می‌دهد. اثرگذاری که در ماهیت انقلاب اسلامی و نظامی اسلامی در رابطه مستقیم رهبر و مردم است؛ لذا تخریب رهبری در نگاه مردم، به محوری مهم و اساسی برای مقابله با نظام و مردم تبدیل می‌شود.

اما فارغ از این جایگاه، نوع شخصیت رهبر انقلاب با مواجهه با مسائل و چالش‌ها به گونه‌ای بوده است که هر فرد منصفی را به تواضع و تحسین در برابر مواضع و عملکرد ایشان در حفظ کشور، نظام و انقلاب اسلامی و می‌دارد و عملاً با ایجاد چالش‌ها و پاسخ‌های رهبری عملاً نقشه تخریب و ترور شخصیت ایشان در اذهان و قلوب مردم از بین می‌رود. تقریباً آمریکا و کشورهای غربی بعد از یک تلاش چند دهه‌ای از تهاجم به شخصیت ایشان و ناتوانی و ناامیدی از ترور شخصیت ایشان، برای برداشتن ایشان از سر راه مطامع استعماری خود، از روی ناچاری به حربه فیزیکی روی آورده‌اند.

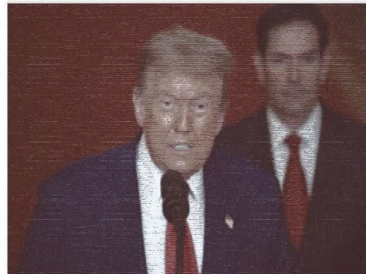
این ظرفیت بالای قانون اساسی و ساختار سیاسی نظام است که در رأس آن، فقیه ربانی و آگاه به زمان، مدیر، مدبر و شجاع را برای رهبری جامعه قرار داده است تا حافظ سایر اصول قانون اساسی در صحنه عمل و در رابطه میان مردم و رهبر باشد. کسانی که فکر می‌کنند با ترور فیزیکی می‌توانند این ظرفیت را از نظام اسلامی بگیرند، فهم درست و دقیقی از قانون اساسی و نظام اسلامی ندارند.

EXCLUSIVE

Trump to POLITICO: 'It's time to look for new leadership in Iran'

ترانسپ به پولیتیکو

زمان آن است که برای ایران بدنبال رهبری جدید بگردیم



U.S. President Donald Trump gives a White House address alongside Secretary of State Marco Rubio in Washington, D.C., on June 21, 2020, following the announcement that the US bombed nuclear sites in Iran. Pool photo by Carlos Barria

چون رهبری مجرای اراده ملی است، تهدیدات متوجه ایشان شده است.



در ساختار نظام سیاسی جمهوری اسلامی، ولی فقیه ضامن و حافظ اراده ملتی است که رهبری آن را به عهده گرفته است؛ لذا موضع گیری‌ها و کنش‌گیری‌های داخلی و بین‌المللی رهبر انقلاب را باید در این افق فهمید و تفسیر کرد. آنچه ایشان دنبال می‌کنند در سطح اول، حفظ امکان اراده‌ورزی ملت ایران است که به تعبیری می‌توان آن را آزادی دانست، امکان اینکه ملت، خواسته‌هایش را در مسیری به کار بگیرد که خودش انتخاب می‌کند. در سطح دوم، رهبر انقلاب به حفظ کیفیت نقش آفرینی ملت ایران می‌پردازد تا

شرایطی را فراهم کند که آن آزادی گفته شده در اراده‌ورزی، مستقلانه صورت پذیرد و دشمن و عوامل خارجی نتواند شرایط ملت ایران را محدود کند. در سطح سوم نیز مقام معظم رهبری به دنبال رشد و ارتقای افق حضور سیاسی ایرانیان است که ملت‌های دیگر را هم به سمت آزادی و استقلال هدایت کند و آرمان استقلال طلبی و آزادی خواهی اسلامی، در جهان فراگیر شود.

در چنین شرایطی، اخبار مرتبط با تهدید جان رهبر انقلاب توسط آمریکا، دلیلی است بر اینکه آمریکا نه منحصراً در برابر اقدامات آزادی خواهانه و استقلال طلبانه آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، بلکه در برابر اراده ملی ایرانیان قرار دارد و اساساً با این موضوع مشکل دارد که ملتی بتواند قدرت بومی پیدا کرده و استقلال عمل داشته باشد؛ لذا وقتی شنیده می‌شود که می‌خواهد اقدام به ترور رهبر مسلمانان جهان کند، باید بلافاصله در نظر آورد که او از این طریق به دنبال محدود کردن قدرت ملی ایرانیان و مسلمانان جهان است. آمریکا به هیچ وجه یک قدرت ملی-آن هم قدرتی که در اراده‌ورزی‌اش، آزادانه و مستقلانه عمل می‌کند- را برنمی‌تابد؛ خصوصاً در منطقه غرب آسیا که مقاومت‌های ملی ایرانیان، می‌تواند اهداف راهبردی و حیاتی‌ای که در این منطقه دنبال می‌کند را نابود کند. این، آن وجه دشمنی دیوانه‌واری است که آمریکا با رهبر انقلاب دارد؛ اینکه رهبر انقلاب، نه فقط حافظ اراده ملی ایرانیان، بلکه ارتقابخش آن بوده و از مردم ایران در برابر آمریکا به گونه‌ای دفاع کرده است که دشمن نتوانسته است هیچ کدام از اهداف غارتگرانه‌ای که در خصوص ایران داشته را اجرایی کند.

تمرکز بر هتک حرمت رهبری، با هدف ارجاع مزق‌رانه کشته‌سازی‌ها به ایشان است.

دشمنان انقلاب همواره تلاش کرده‌اند تا در یک عملیات نرم و جنگ شناختی گسترده، چهره رهبر انقلاب را از فردی که دلسوز آحاد ملت ایران است و منافع ملی را بدون هرگونه تبعیضی دنبال می‌کند، به چهره‌ای تبدیل کنند که اساساً منافع حجم قلیلی از مردم به اصطلاح انقلابی را دنبال می‌کند و بیش از هر چیز، به دنبال حفظ قدرت خود و اطرافیان خود است. این تلاش در سال‌های اخیر با پروژه کشته‌سازی، وارد فاز جدیدتری شده‌است و صرفاً ابعاد جنگ شناختی یا عملیات نرم ندارد. این بار دشمن با قربانی کردن جان مردم و متهم‌ساختن نظام، به‌ویژه رهبر انقلاب، تلاش کرده است تا نه تنها چهره آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای را از مدافع منافع ملی و حقوق انسانی ایرانیان فاصله دهد، بلکه رسماً به دنبال آن است تا متهم اصلی خون مردم بی‌گناه ایران را، رهبر انقلاب بداند و از این طریق، توجیهی برای اهداف شیطانی خود مبنی بر حمله نظامی به ایران یا ترور شخص معظم له به دست آورد. به همین جهت نیز طی اغتشاشات اخیر، تمرکز هتک حرمت‌ها و هنجارشکنی‌ها را به سمت شخص آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای کشاند، تا به خیال باطلش، ذهنیت‌ها و افکار عمومی را نسبت به این اتهام آماده سازد و زمینه پذیرش عمومی نسبت به این اتهام را ایجاد کند اما نخ‌نما شدن پروژه‌های آمریکایی برای ملت ایران و همچنین کارشناسی‌های فنی نسبت به شیوه به قتل رسیدن قربانیان و پوشش‌های گسترده رسانه‌های جمهوری اسلامی، این خیال خام را برای دشمن باطل کرد و آنها نه در سطح داخلی و نه در سطح بین‌المللی، نتوانستند افکار عمومی و اصحاب دولت‌ها را قانع کنند که این کشتار به دست نیروهای نظامی جمهوری اسلامی بوده و خود نیز به مداخله و کشته‌سازی در ایران متهم شدند و اکنون در شرایطی هستند که ناچارند با نهایت فشار رسانه‌ای علیه نظام جمهوری اسلامی، ذهن‌ها را از سمت خودشان به سمت ایران، منحرف سازند.



۵۵

دشمن با
قربانی کردن
جان مردم و
متهم‌ساختن نظام،
به‌ویژه رهبر انقلاب،
تلاش کرده است
تا نه تنها چهره
آیت‌الله‌العظمی
خامنه‌ای را از
مدافع منافع ملی
و حقوق انسانی
ایرانیان فاصله
دهد، بلکه رسماً به
دنبال آن است تا
متهم اصلی خون
مردم بی‌گناه ایران
را، رهبر انقلاب بداند

اصلی‌ترین عامل برهم‌زدن طرح‌های آمریکا در منطقه، آیت‌الله خامنه‌ای بوده است.

در سیر اقدامات خصمانه آمریکا علیه مردم ایران در صفحه تاریخ و ناکامی پیاپی دشمن، تحلیل‌ها و بررسی‌های انجام شده از سوی مراکز مختلف، آمریکا را به این حقیقت رسانده است که رهبر انقلاب به عنوان عنصر هدایت‌گر و محوری، نقشی اساسی در مقابله با آنها دارد. ایشان با درک عمیق از مبانی دینی و تسلط بر تاریخ و فهم بسیار دقیق از زمانه و دشمن، در تندبادهای تحولات و وقایع، توانسته به خوبی تمامی ظرفیت‌های کشور را در مقابل انواع تهدیدها به کار گیرد.

جمع بین منافع ایدئولوژیک و منافع ملی، درک صحیح ایشان از بافت فکری و فرهنگی و سیاسی کشور، رهنمودهای ایشان در سیاست استراتژیک عدم وابستگی به بلوک‌های قدرت، مانع از قرارگرفتن ایران در موقعیت تضعیف‌شده در برابر توطئه‌های آمریکا شد. حمایت‌های معنوی، ایدئولوژیک و مستشاری ایشان از گروه‌ها و محور مقاومت مانند حزب‌الله، حشدالشعبی و انصارالله عمق استراتژیک ایران را افزایش داده و با همراه‌سازی آزادگان عالم در مقابل جریان استکبار جهانی، هزینه‌های مداخله آمریکا و طرح‌های آن در منطقه را با چالش جدی مواجه کرده است.

استفاده هوشمندانه ایشان از ابزار دیپلماسی و تعیین خطوط اساسی در مذاکرات و همچنین تدوین استراتژی مقاومت در ابعاد اقتصادی، نظامی و فرهنگی به عنوان یک سپر در برابر سیاست فشار حداکثری آمریکا عمل کرده است؛ همچنین تأکید مستمر ایشان بر تقویت بنیان‌های داخلی کشور و تقویت و همراه‌سازی ظرفیت‌های مادی و معنوی مردمی باعث شده اقدامات آمریکا با مقاومت داخلی سازمان‌یافته‌ای روبرو شود. در جنگ ۱۲ روزه و فتنه اخیر نیز حضور محوری و هدایتگری ایشان در صحنه، نقش اساسی در ایستادگی ارکان نظام و مردم و بالتبع مدیریت میدان و شکست پروژه دشمن داشت. امروز بیش‌ازپیش جایگاه ویژه رهبر انقلاب در مقابله با اقدامات خصمانه دشمن، روشن شده است و دشمن از سر استیصال با ایده ساده‌انگارانه تهدید ایشان، سعی در رهایی از این سد مستحکم دارد.



استفاده

هوشمندانه

ایشان از ابزار

دیپلماسی و تعیین

خطوط اساسی

در مذاکرات و

همچنین تدوین

استراتژی مقاومت

در ابعاد اقتصادی،

نظامی و فرهنگی

به عنوان یک سپر

در برابر سیاست

فشار حداکثری

آمریکا عمل کرده

است.

نوع حیات و افق در یک جامعه دینی از رهبران الهی آن جامعه نشأت می‌گیرد.

خداوند به امام خمینی رحمه الله علیه توفیق داد که خط مستمر بعثت نبوی را نمایان کند. انقلاب اسلامی در ایران مضمون بعثت را در دوران معاصر تجدید کرد. این بعثت ابتدا در خود امام رحمه الله علیه به وجود آمد و با برانگیختگی ایشان، جامعه نیز برانگیخته شد و به حرکت واداشته شد. این برانگیختگی فطرت‌ها را زنده، عقل را بارور و نعمت‌های ودیعه نهاده شده را یادآور شد و بر اساس آنها جامعه خود را زنده و پویا دید و برای اهداف مقدس و حیات طیبیه گام برداشت.

بدون فداکاری، شجاعت و پایداری رهبر الهی و افق‌گشایی او در فهم زندگی حقیقی، عملاً امکان برانگیختگی آحاد جامعه ناممکن است. به عبارتی خط ممتد بعثت، با کمک مجاهدت



اولیای الهی به جامعه رسیده و جامعه را به حرکت در می‌آورد. جامعه در امتداد حیات و برانگیختگی اولیای الهی حیات، معنا و برنامه جامعی از زندگی پیدا می‌کند. عمده شعارهای انقلاب، برگرفته از احیای دین اسلام در تداوم بعثت پیغمبر (ص) توسط امام رحمه الله علیه بود و این برانگیختگی در جامعه ایران به واسطه ایشان فراگیر شد و توسط رهبر معظم انقلاب از این سرمایه محافظت شد. جامعه ایران عمده جرئت، شجاعت، مقاومت، استقامت و... در مقابل طاغوت و باقی‌ماندن بر عهد دینی و آرمان‌ها و اهداف انقلابی در جامعه مؤمن ایرانی ناشی از برانگیختگی جان انسان‌هایی است که از طریق رهبران انقلاب و در ذیل آنها به وجود آمده است و این ایستادن در مقابل زیاده‌خواهی‌ها، توطئه‌ها، فتنه‌ها ناشی از جایگاه و شخصیت رهبران الهی در زنده کرده و افق‌گشایی است.

بر عکس سایر کشورها که براساس یک‌سری از اعتباریات و بعضاً موهومات سعی در فعال‌سازی اراده ملی دارند، رهبران الهی با زنده کردن ودایع انسانی، نه تنها اراده و حرکت در جامعه ایجاد می‌کنند، بلکه به این اراده‌ها در جهت عبودیت و مبارزه با طاغوت نیز جهت الهی می‌دهند. رهبر معظم انقلاب مبتنی بر این جایگاه، جلودار و هدایت‌کننده اراده ملی و آوردن این اراده‌ها پای کار انقلاب و ایران بوده‌اند و مادامی که چنین رهبرانی در رأس جامعه باشند این مسیر ادامه خواهد داشت. با توجه به این حجم از تهاجم، جایگاه دیگری توان ایجاد و به‌کارگیری اراده ملی در یک جامعه را ندارد.

بیعت نانوشته مردم با رهبری، مهم‌ترین مانع بر تحقق طرح‌های استعماری در ایران بوده است.



تکیه متقابل رهبری الهی با مردم ریشه‌های معارفی گسترده در دین اسلام و قرآن دارد. نوع اتصال و ارتباطی که میان رهبر الهی با جامعه برقرار می‌شود، بر پایه ایمان به اصول دین و وحی الهی است که خداوند در تکوین و تشریع خود دست بشر را برای طی کردن راه سعادت به شکل خاص گرفته است و مادامی که از این ریسمان فاصله گرفته نشود، خداوند

مطابق خلقت و سنت‌های الهی، مانع از هلاکت شده و امکان سعادت را تضمین کرده است. اعتماد و اطمینانی که مبتنی بر شخصیت و عمل رهبری الهی در میان او و مردم شکل می‌گیرد، نوعی اتصال و بیعت نانوشته قلبی را رقم می‌زند که مبتنی بر وعده خداوند، طرفین با خاطر قلبی آرام به یکدیگر تکیه کرده و بارهای سنگین مسئولیت و تعهد را نگه می‌دارند و آنها را تا رساندن به مقصد اصلی دنبال می‌کنند.

رهبر الهی و جامعه دینی نه تنها به این مهم آگاه است، بلکه بر اساس تجربه‌های تاریخی و عبرت‌های آن به خوبی می‌داند که فاصله‌گرفتن این دو از یکدیگر می‌تواند چه نتایج ناگواری به وجود آورد. علاوه بر این‌ها رهبری و جامعه دینی ایران به‌کرات این همدلی و همراهی دینی را آزموده‌اند و بر اثرگذاری نتایج آن باور دارند.

تجربه انقلاب اسلامی تاکنون نشان داده است که استکبار برای ازبین‌بردن کشور و استعمار بر روی فاصله انداختن میان رهبری الهی و مردم باایمان به عنوان اصلی‌ترین و مهم‌ترین مانع، سرمایه‌گذاری زیادی کرده است ولی تاکنون به واسطه ماهیت این رابطه شکست خورده است. مردم و مسئولین کشور به خوبی می‌دانند که این رابطه و تکیه متقابل رهبر الهی و مردم باایمان، جایگزین هیچ اقدام دیگری در رفع مشکلات و عبور از چالش‌ها و بحران‌ها نمی‌شود؛ لذا از اساسی‌ترین شعارها، اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی، نظام جمهوری اسلامی بوده است تا هیچ بیگانه و وطن‌فروشی طمع به این آب‌و خاک پیدا نکند.

حمایت رهبری از دولت و ساختارهای حاکمیتی، امکان اتخاذ تصمیم واحد از سوی نظام را فراهم کرد.

یکی از سنت‌های مدیریتی رهبر انقلاب، حمایت از دولت و ساختارهای حاکمیتی و اعتماد به نهادهای رسمی جمهوری اسلامی بوده است. این رویکرد، در مقطع اخیر که تنش مستقیم نظامی و سیاسی با آمریکا و رژیم صهیونی وجود دارد، به صورت پررنگ‌تر و برجسته‌تری دنبال شده است. همه سخن رهبری طی دو سال اخیر این بوده است: «من مکرر عرض کرده‌ام که از کشور باید در مسائل اساسی صدای واحد بیرون بیاید، باید یک واحد باشند». در همین راستا، زدودن هرگونه بی‌اعتمادی و سوءظن به مسئولان ارشد در افکار عمومی کشور را به عنوان یک سیاست قطعی



تذکر شدید رهبر معظم انقلاب نسبت به اهانت به رئیس‌جمهور و رؤسای کشور

♦ رهبر معظم انقلاب، امروز: من از اینکه به رؤسای کشور، به رئیس‌جمهور و دیگران در یک‌جانبه شرایط مهم بین‌المللی و داخلی اهانت بشود بشت پرهیز می‌کنم و نمی‌گذارم و منع می‌کنم، نهی می‌کنم کسانی را؛ حالا ممکن است در مجلس باشد، ممکن است بیرون مجلس باشد، ممکن است هر جا باشد. ۱۴۰۴/۱۰/۲۷

پیگیری کرده‌اند، تا آنجا که خطاب به نیروهای انقلابی و مردم ایران توصیه کردند، در مواردی که ابهامی در تصمیم و رفتار کارگزاران جمهوری اسلامی وجود دارد، گمان و احتمال مثبت را اولی بدانند: «در حوادثی که مشاهده می‌کنید احیاناً یک ابهامی برای شما دارد، احتمال بدهید که ممکن است پشت این تصمیم‌گیری یک محاسبه درست واقعی‌ای وجود داشته باشد».

امروز در متن حوادث زمستان ۱۴۰۴ حکمت این رویکرد و این مشی سیاسی را بهتر می‌توان درک کرد. یکی از عوامل اصلی خاموش شدن فتنه‌ی ۱۴۰۴، یک واحد و تصمیم مشترک و واحد مسئولان سیاسی و نیروهای مسلح کشور در قبال اقدامات تروریستی دشمن و مزدوران داخلی بوده است. شنیده شدن صدای مشترک از سوی مسئولان کشور، دست و بازوی نیروهای انتظامی و امنیتی کشور را در برخورد با مزدوران تروریست مستحکم‌تر و قاطع‌تر کرد و مردم ایران را دل‌گرم‌تر و پرشورتر به میدان آورد. این وضعیت، مرهون تدبیر و خرد سیاسی رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی است که همواره از قوام و اعتبار ساختارهای رسمی کشور صیانت کرده‌اند.

۵۵

یکی از عوامل
اصلی خاموش
شدن فتنه‌ی ۱۴۰۴،
یک واحد و تصمیم
مشترک و واحد
مسئولان سیاسی
و نیروهای مسلح
کشور در قبال
اقدامات تروریستی
دشمن و مزدوران
داخلی بوده است.

گفتگوی مستقیم رهبری با مردم و خلق روایت اول

ایشان از حوادث، مدیریت افکار عمومی را رقم زد.

فتنه ۱۴۰۴ اگرچه در متن خیابان و با اقدامات متنوع تروریستی همراه بود، اما در حقیقت یک عملیات ترکیبی بود که رسانه، میدان‌دار اصلی آن بود. در این فتنه آمریکایی، «مدیریت روایت» در افکار عمومی جامعه‌ی ایران نقطه‌ی کلیدی و تعیین‌کننده‌ای محسوب می‌شود. رهبر انقلاب، یک سال پیش، در دی ماه ۱۴۰۳، در پیامی خطاب به مدیر رسانه‌ی ملی چنین روزهایی را پیش‌بینی کرده و تأکید کرده بودند که «امروز پیروزی یک طرف را توانایی او در گرفتن و رساندن پیام و روایت او از واقعیت، رقم می‌زند؛ بسیار پیش و بیش از آنکه ابزارهای نظامی وارد میدان شوند و در آن اثر بگذارند». بر همین اساس، از ابتدای شکل‌گیری حوادث دی ماه ۱۴۰۴، یکی از اقدامات کلیدی رهبر انقلاب، برعهده گرفتن مأموریت ساخت «روایت اول» از حوادث بود.

در ابتدای اعتراضات، «تفکیک اعتراض از اغتشاش» و «تفکیک بازاری از اغتشاش‌گر» را مورد توجه قرار دادند و با تأکید بر «نقش دشمن در نوسانات ارزی»، افکار عمومی مردم را نسبت به عامل اصلی شکل‌گیری چالش‌های اقتصادی حساس کردند. فردای شب حادثه، «روایت درست از جوان ایرانی» را مورد تأکید قرار دادند و جوانانی که به عنوان عوامل فتنه به خیابان آمدند، مزدورانی معرفی شدند که برای خوش‌آمدترامپ وارد میدان شدند. همچنین با مشابهت‌سازی میان رئیس‌جمهور مغرور آمریکا با فرعون و نمرود، او را «در آستانه سقوط» تصویر کردند. استحکام رهبری در تأکید بر این‌که «جمهوری اسلامی کوتاه نخواهد آمد» قوت قلبی برای مردم، بسیجیان، نیروهای انتظامی و امنیتی و مسئولان سیاسی کشور شد تا با استحکام و اراده قوی‌تری در برابر فتنه آمریکایی بایستند و خم به آبرو نیاورند. پس از راهپیمایی تاریخی ۲۲ دی نیز با بیان این‌که «فتنه خاموش شد، اما کافی نیست» رویکردی تهاجمی نسبت به دشمن را در دستور کار قرار دادند. در این رویکرد تهاجمی، خط اصلی روایت این بود: «فتنه آمریکایی و هدف فتنه بلعیدن ایران بود» و «رئیس‌جمهور آمریکا مجرم اصلی است».



با مشابهت‌سازی

میان رئیس‌جمهور

مغرور آمریکا با

فرعون و نمرود، او را

«در آستانه سقوط»

تصویر کردند.

پاسخ صریح و فوری رهبری به تهدیدهای ترامپ، برای کشور امنیت آفرین بوده است.

در طول یک سال اخیر رئیس‌جمهور آمریکا به صورت برجسته‌تری با افکار عمومی مردم ایران مخاطب می‌کند، مواضع ضدایرانی را به صورت شفاف‌تری بیان می‌کند و با لحن بی‌پروا‌تری ایران را تهدید می‌کند. سیاست قطعی رهبری این بوده است که هر جارتی رئیس‌جمهور آمریکا موضع‌گیری شفاف‌تری علیه کشور ابراز می‌کند، فوراً و صریحاً پاسخ او را بدهند. پاسخ به مواضع ترامپ در سفر اردیبهشت‌ماه به کشورهای حاشیه خلیج فارس، پاسخ به مواضع ترامپ در میانه جنگ ۱۲ روزه، پاسخ به شایعه‌پردازی ترامپ مبنی بر تمایل ایران به مذاکره (چند ماه پس از جنگ ۱۲ روزه) بخشی از مصادیق آن



محسوب می‌شوند. در فتنه آمریکایی زمستان ۱۴۰۴ نیز که ترامپ با توییتهای و مواضعش محرک اصلی آن بود، رهبر انقلاب به صراحت او را «مجرم» دانستند و با اتخاذ این موضع «که مجرمان بین‌المللی را رها نمی‌کنند» با رویکردی تهاجمی در برابر مداخله‌گری ترامپ ایستادند.

سکوت در برابر تهدیدهای ترامپ در دستگاه محاسباتی دولت آمریکا به معنای وجود ضعف در ساختار حاکمیتی جمهوری اسلامی معنا می‌شود و بر مبنای همین محاسبه، می‌تواند به مداخلات و اقدامات گستاخانه‌تری از سوی دولت آمریکا بینجامد. منطق موضع‌گیری تهاجمی، صریح و فوری رهبری در قبال تهدیدهای ترامپ را در همین نکته می‌توان جستجو کرد. البته این نکته را باید مد نظر قرار بدهیم که چنین موضعی، با محاسبه و عقلانیت سیاسی صورت می‌پذیرد و بیش از آنکه در پی تنش آفرینی باشد، تنش‌زدا است. رهبری در ابتدای جنگ ۱۲ روزه، مادامی که آمریکا علناً وارد میدان درگیری نشده بود و طرف مقابل ظاهراً فقط اسرائیل بود، در نخستین پیام تلویزیونی خود مطلبی علیه آمریکا بیان نکردند اما به محض ورود و موضع‌گیری رئیس‌جمهور آمریکا در میدان جنگ ۱۲ روزه، صریحاً علیه آمریکا موضع گرفتند. این تفاوت‌ها به خوبی، هوشمندی و دقت نظر رهبری در مواجهه با رفتار پیچیده دولت مردان آمریکایی را ترسیم می‌کند و نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی با پیچیدگی و ظرافت با سیاست‌های آمریکا مواجه می‌شود. خرد و عقلانیت سیاسی اقتضای کند دشمن، عزم و اراده مستحکم و نفوذناپذیر کارگزاران و مردم ایران را در مقابل خود به صورت واضحی مشاهده کند و در دستگاه محاسباتی دشمن، موضع‌گیری در قبال ایران کم‌هزینه نباشد.

تثبیت نظام، ثمره رهبری آیت الله خامنه‌ای بوده است.

رهبر معظم انقلاب از ابتدای رهبری خود، در پی ایجاد ساخت شکل متفاوتی از نظام و اهداف نرفتند، بلکه کل این سال‌های رهبری خود را با همه نتایجی که برای ایشان داشته است - صرف اهداف انقلاب اسلامی و تثبیت نظام اسلامی کرده‌اند. ایشان می‌توانستند با توجه به جایگاه خود، مسیرهای بسیار ساده و راحت‌تری را برای خود و کشور ترسیم کنند. اما به شعارها و آرمان‌های انقلاب وفادار ماندند و تمام تلاش خود را برای حفظ و تثبیت همه این شعارها به عنوان خواسته‌های تاریخی و به حق مردم مسلمان ایران به کار گرفتند. رهبر معظم انقلاب هیچگاه نخواسته است برای خوشایند کسی یا برای حفظ موقعیت و چهره خود، نسبت به وقایع و موضوعات نسبت‌گیری کنند، بلکه بیشتر به دنبال تثبیت نظام، تثبیت ساختارها، تثبیت شعارها و ارزش‌های انقلابی و تثبیت راه و هدف امام خمینی رحمة الله علیه بوده است.

ماحصل و ثمره این تلاش‌ها تثبیت قانون اساسی و ساختارهای نظام اسلامی در ارکان مختلف در بدترین شرایط و اقتضائات تاریخی بعد از انقلاب بوده است تا امکان فرایند دولت‌سازی اسلامی در فرایند تکامل انقلاب اسلامی میسر گردد. بر عکس تصورات ژورنالیستی و سطحی، دولت‌سازی یک امر بسیار مشکل و زمان‌بر بوده و بدون تثبیت نظام اسلامی، امکان ساختن دولتی متناسب با آرمان‌ها و اهداف انقلابی ممکن نیست. علت حمله‌ها و تهاجم‌های گسترده آمریکا و غرب با نظام اسلامی این است که در صورت تثبیت آن، فرایند دولت‌سازی ممکن می‌شود و با دولت‌سازی، امکان غلبه بر کشور از دست آنها خارج می‌شود؛ لذا تمام هم و تلاش خود را برای ازبین بردن این ثمره به کار می‌گیرند؛ آنها به خوبی دریافته‌اند که رابطه محکم و وثیق میان تثبیت و استمرار نظام اسلامی با رهبری آن برقرار است لذا برای ازبین بردن نظام اسلامی در توهم ازبین بردن رهبر معظم انقلاب افتاده‌اند؛ غافل از این که تثبیت نظام اسلامی ثمره رهبری ایشان بوده و نمی‌توانند با ترور ایشان این ثمره را از بین ببرند و باید منتظر تداوم انقلاب اسلامی در دولت‌سازی و ناامیدی خود از این انقلاب و مردم این کشور باشند.



ماحصل و ثمره
این تلاش‌ها تثبیت
قانون اساسی و
ساختارهای نظام
اسلامی در ارکان
مختلف در بدترین
شرایط و اقتضائات
تاریخی بعد از
انقلاب بوده است

تلاش تبیینی رهبری، معنادار کردن تمامی رخدادها در طرح کلان استعمار بوده است.

زاویه دید رهبر انقلاب در تحلیل وقایع و رویدادها محصول دهه‌ها تجربه در مقابله با کارشکنی‌های اطلاعاتی و امنیتی آمریکا و متحدینش است. باید توجه داشت که در عرصه جهانی، هیچ رویدادی تصادفی نیست، به ویژه رویدادهایی که به نظام اسلامی مرتبط می‌شوند. زیرا این نظام در نقطه قانونی تهاجم سرویس‌های امنیتی و نظامی متخاصم جهان قرار دارد. دشمن، اهداف خود را به جای استفاده از طریق مواجهه مستقیم، از طریق مهندسی حوادث داخلی و اجتماعی پیش می‌برد تا اولا تاثیرگذاری آن را بالا ببرد و ثانیا هزینه‌های احتمالی را برای خود، کاهش دهد. از این روی تلاش دارد تا حقیقت را تحریف کرده و در پس حوادث و اتفاقات، مخفی شود.

رهبر انقلاب با چنین پشتوانه ذهنی و به عنوان دیده‌بان کلان حرکت انقلاب اسلامی، با بررسی رویدادها و اتفاقات، در حال خنثی‌سازی این عملیات خصمانه دشمنان هستند. زیرا اگر علت‌یابی رویدادها دچار اشتباه و خطا باشد، درمان و راهکار ارائه شده نیز نادرست و غیر مؤثر خواهد بود، از این جهت تحلیل ایشان فراتر از بررسی فنی یک حادثه و به دنبال یافتن دست‌های پشت پرده و اهداف مستتر آن است.

باید دقت کرد که پذیرش نقش دشمن، به معنی شانه خالی کردن کشور از مشکلات و کاستی‌ها نیست و بالعکس مسئولیت حاکمیت را برای اصلاح ساختارها در برابر نفوذ دوچندان می‌کند. مشخص کردن هدف دشمن، معیار و شاخصی برای ارزیابی عملکرد مدیران در برابر تهدیدات فراهم می‌کند. اگر یک رویداد صرفاً اشتباه مدیریتی و موردی قلمداد شود، آسیب‌های ساختاری تکرار خواهند شد، اما اگر در کلان طرح دشمن تفسیر شود، ضعف و نفوذپذیری ساختارها مشخص به چشم خواهد آمد.

توجه به این نکته حائز اهمیت است که نشان دادن دست نامرئی و طرح دشمن، به معنی نادیده گرفتن مطالبات مردمی و درخواست‌های آنها و کم و کاستی‌های داخلی نیست. به عنوان مثال در فتنه اخیر، رهبر انقلاب همواره فرمودند که مشکلات معیشتی برای مردم وجود دارد و باید علاج شود. همچنین اعتراضات و مطالبات مردم، مطالبه درست و به حق بود، اما اینکه زمینه ایجاد این مشکلات و اعتراضات و همچنین تبدیل اعتراض به اغتشاش و فتنه، طراحی و دست نامرئی دشمن بود، باید مورد توجه ویژه قرار گیرد. این تحلیل و تبیین به خوبی نشان می‌دهد ایشان، نگاه بسیار دقیق و موشکافانه‌ای از حوادث پیچیده اخیر ارائه دادند و عوامل و زمینه‌های این فتنه را به خوبی تفکیک کردند و مطالبه به حق مردم را نه تنها نادیده نگرفتند بلکه به جد مطرح و دنبال کردند و رهنمودهای ایشان به دولت و مسئولین نیز در راستای تحقق همین مطالبات بود.

ساخت سیاسی جمهوری اسلامی وابسته به فرد نیست.



نظام جمهوری اسلامی، اساساً ساختی متکی به فرد، حزب یا گروهی ویژه ندارد و بنیان آن بر ایده ساختاری‌ای بنا نهاده شده است که برآمده از کتاب و سنت است. این الهی بودن بنیان‌های نظام جمهوری اسلامی، ساخت سیاسی‌ای برای آن پدید آورده که اساساً نگرانی بابت این موضوع که افراد در کدام جایگاه قرار بگیرند، برایش در

حاشیه می‌رود و آنچه دل‌ها را گرم و اراده‌ها را در این مسیر محکم می‌سازد، اتصال روحانی این ساختار سیاسی به حفاظت خداوند متعال و هدایت حضرت حجت است. در مرحله بعدی، توجه به تاریخ انقلاب اسلامی ضروری است؛ اینکه با انقلاب ۵۷ توسط امام خمینی و سپس تدوین قانون اساسی، برگزاری انتخابات‌ها و شکل‌دهی به ساختار سیاسی کشور و در نهایت رهبری رهبر فرزانه انقلاب، امروز کشور در شرایطی قرار گرفته است که ساخت سیاسی آن تثبیت شده و ملت ایران درون این مقطع از ساخت سیاسی زندگی می‌کنند. بنابراین ترورها، تهدیدها و تغییرات احتمالی، نمی‌تواند شالوده این ساختار سیاسی را به تزلزل کشاند و تهدیدی وجودی برای آن به حساب آید. این سیستم برخوردار از یک حافظه تاریخی و انباشت تجربه همگانی است که در شرایط بحران، می‌تواند راه خود را از بی‌راهه تشخیص داده و به هر قیمتی شده، خود را در مسیر حق جلو ببرد.

بنابراین، ساخت سیاسی نظام جمهوری اسلامی، با درهم‌تنیده کردن بسیاری از ایده‌های حکمرانی خودش در ساختار سیاسی کشور، به شکلی بقای خود را تثبیت کرده است که با آمدوشد افراد، اگرچه دچار تغییر و افت و خیز می‌شود، اما به هیچ وجه در معرض خطر نابودی یا تزلزل ساختاری قرار نمی‌گیرد. این یک دستاورد بسیار مهم است که انقلاب اسلامی توانسته است طی سال‌های پس از انقلاب آن را تثبیت کند تا با جابه‌جایی افراد، دچار ضربه جدی نشود و بتواند به شکلی سیستمی و سریع، خودش را بازآرایی کند.



ترورها، تهدیدها و تغییرات احتمالی، نمی‌تواند شالوده این ساختار سیاسی را به تزلزل کشاند و تهدیدی وجودی برای آن به حساب آید.